

## طب سنتی و شیوه های درمانی در پنج گنج نظامی

دکتر ابوالقاسم امیراحمدی\*

### چکیده:

کاربرد اصطلاحات و موضوعات طبی توسط برخی شعرای فارسی زبان، افزوده بر آن که درونمایه شعر فارسی را غنی تر و خوانندگان را به مطالعه آثارشان راغب تر کرده، عرصه تحقیق و پژوهش در این زمینه را نیز بر اهل تحقیق، گسترده تر ساخته است. حکیم، نظامی گنجه ای از جمله گویندگانی است که ضمن آشنایی کامل با رموز سخن و فنون ادبی، از مقدمات علم پزشکی و خواص گیاهان دارویی نیز آگاهی داشته است. در این جستار، سعی شده است تا با تفحص و جست و جو در مجموعه اشعار این شاعر بزرگ زبان فارسی، مباحث مربوط به طب سنتی، شیوه های درمانی و گیاهان دارویی استخراج و با استناد به مهم ترین و اساسی ترین کتب طب اسلامی، نظیر قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی از جرجانی، الحاوی از زکریای رازی و... مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: نظامی، طب، گیاهان دارویی، درمان

## مقدمه

حکیم جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه ای ، جادوسخن جهان ، دریا نام ، دهقان فصیح ، گنج دارسخن ، گنجینه دارسخن ، شاه گویندگان و داستان سرای بزرگ سده ششم هجری قمری و یکی از ارکان شعر فارسی است. نظامی همچون دیگر شاعران عصر خود، از علوم متداول روزگار، نیک آگاهی داشت. میزان آگاهی او را از علوم مختلف، می توان از تعمق و تأمل در آثارش به خوبی دریافت. " این شاعر بنا بر عادت اهل زمانه از آوردن اصطلاحات علمی و لغات و ترکیبات عربی وافر و بسیاری از افکار فلاسفه و اصول و مبانی فلسفه و علوم به هیچ روی کوتاهی نکرده و به همین سبب آثار او حکم دایره المعارفی از علوم و اطلاعات مختلف وی گرفته و در بعضی موارد چنان دشوار و پیچیده شده است که جز با شرح و توضیح قابل فهم نیست. " (صفا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸۰۸)

توجه به مبانی علم طب و کاربرد اصطلاحات مربوط به این علم را در آثار نظامی به خوبی می توان دریافت. او نیز مانند خاقانی و انوری ، اطلاعات گسترده ای از دانش پزشکی و برخی بیماری ها و راه معالجه آن ها داشته است. استاد فقید وحید دستگردی در مقدمه گنجینه حکیم نظامی می نویسد: " در علم طب نیز کاملاً دست داشته و در مواقع مختلفه مصطلحات طبی و اندرزه های صحی را به خوبی به کار برده است. " (نظامی گنجه ای ، گنجینه، ۱۳۷۶: ۲۶) پنج گنج نظامی مانند قانون در طب، برخی از کتب رازی، تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام از جمله کتبی هستند که در کنگره دستاوردهای ۳۰ ساله طب سنتی معرفی می شوند .

\*\*\*

## باورها و شیوه های درمان

### اشک گوزن، پادزهر مارگزیدگی

گوزن از حسرت این چشم چالاک  
زمژگان زهر پالاید، نه تریاک  
خسرو و شیرین/ص ۳۱۶

پادزهر، دارویی است که برای کاهش اثر زهر و مقابله با مواد سمی به کار می رود. پادزهر، دوگونه است: یکی معدنی که برای دفع سم به کار رود و دیگر حیوانی که درشکنبه بز کوهی پیدا شود. (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه). پادزهرجانوری، ماده ای است که در بعضی اندام های بعضی جانوران (به ویژه نشخوارکنندگان) به تدریج، متحجر می شود و شکل می گیرد. پادزهر گوزن، در طب قدیم، به آبی گفته می شده که در گوشه چشم گوزن پدید می آمده و خاصیت پادزهر را داشته است. علامه دهخدا می نویسد: "و در گوشه دو چشم آن جایی است که از آب چشم آن در آن جا تریاق جمع و بسته شود." (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه)

نظامی، در بیت بالا به این خاصیت تولید پادزهر در چشم گوزن یا بز کوهی، اشاره دارد و با تعبیری شاعرانه و در قالب استعاره کنایی می گوید: گوزن از حسرت داشتن چشمان چالاک و زیبای شیرین به جای تریاک (پادزهر) از مژگان خود زهر بیرون می دهد.

\*

## اشک مو، درمان بیماری های چشم

گریه ی مو یا اشک مو، مایعی است که در وقت بریدن شاخه ی درخت انگور در فصل بهار از آن ترشح می شود. این مایع بی رنگ و بی بو که در نزد شعرای فارسی زبان به اشک یا گریه ی درخت انگور تعبیر شده است، در طب قدیم، برای درمان ورم پلک و ورم ملتحمه و رفع ناخنک چشم توصیه می شده است. همچنین در درمان زگیل های مورچه ای مورد استفاده بوده است. (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۸) نظامی در ابیات زیر، آن را توتیای چشم دانسته است:

گل که نوآمد، همه راحت دروست	خار کهن شد که جراحی دروست
از نوی انگور بود توتیا	وز کهنی مار شود ازدها

مخزن الاسرار/ص ۱۴۹

\*

## تار عنكبوت (تارتنگ)، التیام بخش زخم

تار عنكبوت باعث التیام زخم و بند آمدن خون می گردد. محمدبن زکریای رازی در باره اثر درمانی تار عنكبوت در کتاب *الحاوی* می نویسد: "اگر آن را با برخی از مرهم ها مخلوط نمایند و روی موضعی که از آن خون جاری می شود قرار دهند، سودمند خواهد بود و اگر روی زخم هایی که عمیق نیستند قرار داده شود از ورم کردن آن ها جلوگیری خواهد نمود." (رازی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۱۲۲) ابن سینا نیز در کتاب *قانون* آورده است: "تارش را بر زخم گذارند، خونریزی را قطع کند." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۷) نظامی گوید:

آن خانه عنكبوت باشد	گه بندد زخم گه خراشد
گه بر مگسی کند شبیخون	گه دست کسی رهاند از خون

لیلی و مجنون/ص ۵۱

\*

## تقویت بینایی با رنگ سبز

جان به سبزی گراید از همه چیز	چشم روشن به سبزه گردد نیز
------------------------------	---------------------------

هفت پیکر/ص ۲۱

امروزه رنگ و رنگ شناسی به عنوان یک علم در سطح جهان مطرح شده و در علوم مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. از رنگ ها در سطح گسترده ای به عنوان یک ابزار درمانی در بیماری ها استفاده می شود. تکنیک جدیدی که طی دو دهه اخیر در درمان بیماری ها به کار می رود، تکنیک فتودینامیک نام دارد. (سعیدیان، ۱۳۸۴: ۳۵۷۴)

در روان شناسی، برای رنگ سبز، خواص درمانی بسیاری ذکر کرده اند. از جمله این که رنگ سبز، شفا بخش روح خسته انسان است و موجب تقویت بینایی چشم ها می گردد. ابن سینا در بحث از بیماری های چشم، مبتلا به بیماری رمـد را از نگاه کردن به سپیدی و نور برحذر داشته، می نویسد: "نباید کسی که رمـد دارد به سپیدی و نور نگاه کند. باید زیرانداز و پیرامونش سیاه یا سبز باشد." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۷۲) و در علاج بیماری قـمور که از روشنایی بسیار و یا نگاه کردن زیاد به چیز بسیار سفید، رخ می دهد می گوید: "باید بیمار را وادار کرد که سبز رنگ ها و رنگ های آبی چشم بدوزد." (همو: ۲۷۳)

\*

## حجامت، علاج سردرد

درد سر، انواع و دلایلی دارد که ابن سینا در جلد سوم کتاب قانون در بحث از بیماری های سر و مغز بدن ها پرداخته است. یکی از جمله راه های درمان سردرد، حجامت از قسمت های مختلف سر بوده است. تحقیقات اخیر، نشان داده است که حجامت به عنوان یک روش درمانی، موجب تقویت سیستم ایمنی بدن می شود.

ابن سینا می نویسد: "اگر گرانی در قسمت جلو سر باشد "خشاء" و شریان پشت گوش را بزن." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۳: ۷۹) این که زکریای رازی در کتاب خود تحت عنوان **جدری و حصه** توصیه می کند اطفال جهت پیشگیری از ابتلا به آبله، حجامت شوند، نشان از اعتقاد طبای سنتی بر نقش ایمنی زای حجامت است.

نظامی به این نوع حجامت موضعی پشت گوش (**ماستونید**) که برای درمان سردرد، صورت می گرفته است اشاره کرده است:

علاج الراس او انجیدن گوش دم الاخوین او خون سیاوش  
خسرو و شیرین/ص ۴۴۱

در برخی منابع طب جدید، درمان تکمیلی سکه مغزی، یرقان، عفونت های گوش و آکنه های عفونی را نیز از دیگر خواص این نوع حجامت دانسته اند.

\*

## روی، درمان کننده سفیدی و نایبایی چشم

روی از نظر حیاتی یک عنصر بسیار اساسی است که نقش بیوشیمیایی آن در حیات سلول و در نتیجه موجود زنده بسیار قابل توجه است. این عنصر در بسیاری از فعل و انفعالات شیمیایی بدن، موثر و وجود آن برای حفظ سلامتی و طول عمر لازم است. در طب قدیم، از سوده این فلز برای درمان سفیدی یا نایبایی چشم استفاده می شده است. اعتقاد بر این است که روی باعث جلوگیری از انحطاط مربوط به سن در شبکه می شود. این ماده معدنی کم در سطح بالایی در چشم متمرکز شده است. (سعیدیان، ۱۳۸۴، ج ۳: ۳۷۱۲) "بدن به روی برای شکل دادن برخی از آنزیم های آنتی اکسیدان در چشم احتیاج دارد." (همو: ۳۷۱۲) بنابراین، کمبود این عنصر در بدن می تواند مشکل آفرین باشد.

نظامی در خاصیت این عنصر برای رفع سفیدی و تقویت بینایی چشم می گوید:

سپیده بررد روی از چشم درد بررد تیغ من سرخی از روی زرد  
شرفنامه/ص ۱۱۵

\*

## سپید کردن دندان با خاکستر عود و بید

به ار ما درین مجمر نقره پوش که خوبان به خاکستر عود و بید  
چو عود سیه برن داریم جوش کنند از سرخنده دندان سپید  
اقبالنامه/ص ۴۳

دندانها به مرور زمان و با گذشت سن در اثر تغییر مواد معدنی مینا و عاج دچار تغییر رنگ می شوند. درگذشته، برای سفید کردن دندان ها از خاکستر و زغال چوب عود و بید استفاده می شده است. دهخدا ذیل عود سوخته می نویسد: "عودی که سوخته باشد و ظاهراً آن را برای سپید کردن دندان به کار می برند." (دهخدا، ۱۳۴۲: ذیل واژه) ابن سینا، عود را برای

تقویت مغز و اعصاب و خوشبو کرده دهان نیز مفید دانسته است. (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۴ و ۲۶۵) همچنین در گذشته "از جوشانده شاخ و برگ آن برای رفع فساد اعضا استفاده می شده است." (حداد عادل، ۱۳۷۹: ذیل واژه)

سیاهی کنی، سوخته شو چو بید  
که دندان بدو کرد زنگی سپید  
اقبالنامه/ص ۱۰۶

از صدف سوخته نیز بدین منظور استفاده می شده است :

وان دو سه تن کرده ز بیم و امید  
زان صدف سوخته دندان سپید  
مخزن الاسرار/ص ۱۲۶

پودر پوست خشک پرتقال، قسمت های سوخته نان، خاکستر اکلیل کوهی، مسواک زدن با توت فرنگی له شده، نمک و بیکربنات سدیم از دیگر سفید کننده های دندان است. (سعیدیان، ۱۳۸۴: ۴۵۰۰)

\*

### سرگیجه و صفرا

مطابق طب سنتی، صفرا که یکی از چهار خلط موجود در بدن انسان است موجب تسهیل حرکت خون در عروق و افزایش حرکت روده می شود. اطبای قدیم، غلبه ی آن را بر دیگر اخلاط (سودا، بلغم و دم)، یکی از علت های سرگیجه و دوران سر می دانستند. ابن سینا در بحث از نشانه انواع سرگیجه، در کتاب قانون می نویسد: "اگر آن خلط صفرا باشد، علامتش بی خوابی، التهاب در سر، بدون سرگرانی زیاد، دیدن اشباح زرد طلایی است." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۴۱) چنان که نظامی گوید:

گرت سرگردد از صفرای شیرین  
مگر شیرین از آن صفرا خیر داشت  
ز سر بیرون مکن سودای شیرین  
که چندان سرکه در زیر شکر داشت  
خسرو و شیرین/ص ۳۴۸

\*

### سیسنبر، سوسنبر، سه سنبل و سی سنبل (نمام الملک) التیام بخش جراحات

ریخته نوش از دم سیسنبری  
بر دم این عقرب نیلوفری  
مخزن الاسرار/ص ۱۶

سیسنبر یا نمام الملک به فتح اول، گیاهی است سبز شبیه نعنا با مزاج گرم و خشک که قدما آن را به دلیل گرمی و حرارتش، کشنده عقرب و التیام بخش زخم می دانستند. در کتاب الحاوی آمده است: "اگر آن را ضماد نمایند یا بیاشامند برای کوفتگی عضلات و ورم کبدی که سفت شده باشد و دچار آماس خونی گردیده باشد و نیز برای برطرف نمودن ضرر خزندگان سودمند خواهد بود." (رازی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۳۹۰)

بوی سیسنبر از حرارت خویش  
عقرب چرخ را گداخته نیش  
هفت پیکر/ص ۳۱۸

\*

### صندل، درمان سردرد

مشتری را ز فرق سر تا پای  
درد سر دید و گشت صندل سای

## هفت پیکر/ص ۱۲

صندل یا چندن به فتح اول و سوم، یکی از درختان خوشبوی جنس *Santalum* است که از چوب آن به عنوان ماده خوشبوکننده استفاده می شود. از صندل به علت مزاج سردی که دارد به عنوان داروی رفع سردرد استفاده می شده است. محمدبن زکریای رازی می نویسد: "ماسرجویه گوید: در درجه سوم سرد است. برای ضعف معده و سردرد ناشی از گرمی سودمند می باشد." (همو: ۸۹)

درطب قدیم از صندل برای درمان درد سر و تب، استفاده می کردند بدین صورت که "این چوب را بر سر سنگی یا اندک رطوبت می ساینند و بر پیشانی کسی که سر درد شدید دارد می مالند تا درد سراو تسکین یابد." (ازقاموس کتاب مقدس) (اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۳۹)

صندل ، آسایش روان دارد	بوی صندل ، نشان جان دارد
صندل سوده دردسر بیبرد	تب زدل ، تابش ازجگر بیبرد

هفت پیکر/ص ۲۹۱

\*

## فصد و منی

به عقیده حکمای قدیم ، خون است که در بدن تبدیل به منی می شود . ابن سینا ماده منی را از ماده رطوبتی رگ ها(خون) دانسته، می نویسد: " هنگامی که ماده خونی بسیار لطیف و کاملاً پخته و رسیده رو به سوی بیضه ها سرازیر می شود، در لوله رگ های مجرا با روان زندگی درهم می آمیزد و به هم می شود...خونی را که بیضه ها دریافت می کنند هم شکل خود می سازند و خون لطیف به رنگ سپید درمی آید." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۵: ۲۱۷)

از آن جا که حفظ خون در بدن برای تولید منی لازم است(همو، ۲۳۱) در طب قدیم، فصد می کردند تا منی تولید نشده، در نتیجه محتاج به زن نگردند. حکیم، سیداسماعیل جرجانی در کتاب سوم ذخیره خوارزمشاهی، فصد را از اسباب بازداشتن جماع دانسته است(جرجانی، ۱۳۸۲، کتاب سوم: ۲۲۱) نظامی گوید:

زنان را ز مردان برداختند	جدا گانه شان کشتی ساختند
به مردانگی خون خود ریختند	بمردند و با زن نیامیختند

اقبالنامه/ص ۹۸

\*

## کرفس و کژدم

زهری است به قهر نفس دادن	کژدم زده را کرفس دادن
--------------------------	-----------------------

لیلی و مجنون /ص ۸۸

کرفس که به عنوان سلطان سبزی ها شناخته شده است گیاهی است علفی، به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتی متر که ساقه ای منشعب دارد. درخواص دارویی این گیاه آمده است: "ضد رماتیسم، ضد نفخ، ضد اسپاسم، مدر، کاهش دهنده و پایین آوردن فشار خون، ضد عفونی کننده مجاری ادراری." (شوالیه، ۱۳۸۲: ۲۹) برگ های آن شفا بخش و ضحیم و گل های آن کوچک و به رنگ سفید یا سفید مایل به سبز است . علیرغم این، درطب قدیم، خوردن کرفس برای مار و کژدم زده ، درحکم سم بوده است زیرا باعث انبساط مسامات پوست شده، آن را مستعد تاثیرگزش مار و عقرب می گرداند. ابن سینا می نویسد: "کسی

که کرفس خورده اگر به نیش عقرب گرفتار آید کارش دشوار است. "(ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۳) در کتاب سوم ذخیره خوارزمشاهی نیز آمده است: "و اگر کسی کرفس خورده باشد و کژدم او را بزند رنج او عظیم باشد." (جرجانی، ۱۳۸۰، کتاب سوم: ۶۷)

\*

### گل سرشوی (طین ساماعی)، درمان و تقویت حواس

گل سرشوی به کسر اول، "نوعی گل سفید است که به آن گل گیوه یا گل یزدی گویند با آن رویه نخی گیوه و پارچه های ضخیم را می شویند و در بعضی جاها سر و تن را نیز با آن می شستند گاه به آن گل سرشوی و گل حمام نیز می گفتند." (اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۲۸) دارویی بوده است که بنا به عقیده ابن سینا محلوش درد معده را تسکین داده و اگر به سرمالیده شود حواس را پرمایه تر می نماید. همچنین چکاندن آن همراه با شیر در چشم، سفیدی و جوش های چشم را برطرف می کرده است. (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۷۳) نظامی از خواص دارویی این گل، آگاهی کامل داشته است. چنان که گوید:

گل سرشوی از این معنی که پاکست  
به سر بر می کنندش، گرچه خاک است  
خسرو و شیرین/ص ۳۰۹

\*

### مومیایی، درمان شکستگی های استخوانی

فلک تا نشکند پشت دوتایی  
به کس ندهد یکی جو مومیایی  
خسرو و شیرین/ص ۱۰۹

مومیایی، نوعی صمغ است که از شکاف بین سنگ های کوه استخراج می شود. از این ماده در طب قدیم برای درمان شکستگی استخوان استفاده می شده است. محمد بن زکریای رازی از قول دیسکوریدوس می نویسد: "خاصیت گرم کننده و نرم کننده و التیام دهنده و نیز جوش دهنده شکستگی دارد و برای علت های داخلی سودمند است." (رازی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۳۶۴) این ماده شفا بخش که یکی از بهترین داروهای طبیعی محسوب شده است، در حدود سه هزار سال پیش به عنوان یک وسیله درمانی در آسیای مرکزی، ایران، هند، چین، ترکیه و یونان شناسایی شده و مورد پژوهش دانشمندان و محققین قرار گرفته است. دکتر سیدجعفر شهیدی می نویسد: "مومیاء، ماده ای قهوه ای یا سیاه رنگ که در شکستگی های طبقات زمین در مجاورت معادن نفت یافت می شود و آن را برای شکسته بستن استخوان به کار می برند." (شهیدی، ۱۳۶۴: ۴۱۸)

گرم بشکند گردش سال و ماه  
مرا مومیایی بس اقبال شاه  
اقبالنامه/ص ۲۹۲

هر که را این شکسته پایی داد  
آن لطف کرد و مومیایی داد  
هفت پیکر/ص ۵۶

تویی کز شکستم رهایی دهی  
ورگر بشکنی، مومیایی دهی  
شرفنامه/ص ۱۰

\*

### مهره مار (حجر الحیه)، دافع زهر

باغ پر از گل ، سخن خار چیست ؟

رشته پر از مهره ، دم مار چیست ؟

مخزن الاسرار/ص ۲۲

مهره مار یا مار مهره ، دو نوع است یکی معدنی که از معدن زبرجد به دست می آید و دیگری حیوانی که در عقب سر بعضی از افعالی وجود دارد و "چون گوشت جدا کنند نرم و بعد حجرت پیدا کند و به تفاوت است . مجعول نیز باشد . امتحان این که بر جای گزیده مار بچسبد ، چون شیر بر آن ریزند ، شیر منجمد و متغیر شود و چون جذب تمام سم کرده باشد ، دیگر نچسبد.(آندراج) (اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۸۰) از این روست که در طب قدیم ، مهره مار را برای دفع زهر و سم مار مفید می دانستند .

نوش بخشد به مهره مار سنان

مارگیرد به ازدهای عنان

هفت پیکر/ص ۱۳۱

گو گلاب از گل و گل از خارست

نوش در مهره ، مهره در مارست

هفت پیکر/ص ۴۱

\*

### نوش گیا(نوش گیاه)، دافع سم حشرات و گزندگان

نوش گیا یا به تعبیر طبای قدیم، گیاه مخلصه و یا دندان شیر، گیاهی بوده است مخدر که هرکس از آن می خورده از سم حشرات و مار و عقرب ایمن و خلاص می شده است. در فرهنگ فارسی معین ذیل ترکیب، آمده است: تریاق وپازهری که از گیاهان به دست آورند. (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه)  
در وجه تسمیه این گیاه به مخلصه در لغت نامه دهخدا آمده است: "به عربی مخلصه از آن گویند که خلاص کننده از زهر است." (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه)

نوش گیا پخت و بدو در نشست

رهگذر زهر به تریاک بست

مخزن الاسرار/ص ۱۳۶

\*

### یاقوت، مقوی چشم

گوهرش داده دیده ها را قوت  
زرد و سرخ و کبود چون یاقوت  
به اعتقاد پیشینیان، استفاده از سوده یاقوت که سنگی است شفاف و سرخ رنگ، سبب افزایش نور چشم می شده است. "یاقوت دارای مزاجی معتدل است و ... سرمه با آن محافظ و مقوی چشم است و گذاشتن آن در دهان، مسکن تشنگی و مقوی قلب است." (نورانی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۳۷۴)

همه سنگ ها سرخ یاقوت بود

کزو دیده را روشنی قوت بود

شرفنامه /ص ۵۱۵

\*

### یاقوت و درمان وبا

دل راست کن از بلا میندیش  
یاقوت خور از وبا میندیش  
لیلی و مجنون/ص ۳۰۹



در پزشکی قدیم، باور بر این بود که یاقوت، بیماری وبا را درمان می کند. در کتاب گزارش دشواری های دیوان خاقانی به نقل از نوروزنامه خیام آمده است: "خاصیتش آن که وبا و مضرت تشنگی باز دارد." (کزازی، ۱۳۷۸: ۶۲) در فرهنگ بازیافته های ادبی از متون پیشین به نقل از تنسوخ نامه می خوانیم: "حکما هند می گویند که چون یاقوت با خود دارند از علت طاعون ایمن باشند و وبا بر آن کس که دارد کار نکند." (اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۱۶۳۸)

در گذشته از معجون یاقوت که از ابتکارات ابن سیناست در درمان بسیاری از بیماری ها بهره می جستند. او می نویسد: "در علاج بیماری وسوسه، دوری جستن از مردم، تپش غیرعادی قلب و ناتوانی قلب و ویژگی دارد و بسیار خوب است." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۸۳) از این معجون در معالجه بیماری های مغز، معده، کبد، طحال، قولنج و درد مفاصل نیز استفاده می شده است.

\*

## در منافع و مضرات خوراکی ها

### سیب

به اعتقاد قدما بوی خوش سیب به بیمار ضعیف، قوت می بخشد، لذا به دست بیماران و کسانی که در حال احتضار بودند، سیبی می دادند تا بپویند. نظامی گوید:

چو بیمار نالنده از بوی سیب      جووانمرد بود از پدر ناشکیب

شرفنامه/ص ۵۰۴

سیب، (با نام علمی *Malus domestica*) میوه درختی است سردسیری از خانواده گلسرخیان. این میوه خوش عطر و طعم حاوی مقدار زیادی پتاسیم، سدیم، کلسیم، فسفر و مقادیر زیادی ویتامین آ و ب می باشد. آروما (aroma)ی (بو و طعم) سیب، مخلوط پیچیده ای از تعداد زیادی ترکیبات فرار است که در ایجاد کیفیت حسی میوه سهیم هستند. بالغ بر ۳۰۰ ترکیب فرار در آرومای سیب شناسایی شده اند که شامل الکل ها، آلئوئیدها، اترها و... هستند. ابن سینا، سیب را مانند کافور، صندل، تباشیر و گشنیز خشک شده از داروهای سرد مزاجی دانسته است که در درمان بیماری های قلب مفیدند. (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۳: ۵۳۱) او می نویسد: "سیب و بوژه سیب خوشبوی شامی و سیب شیرین خوشبوی و سیب ترش قلب را توانا کنند." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۲۵) در کتاب دائرة المعارف بزرگ طب اسلامی به نقل از مکارم الاخلاق آمده است: "ابن بصیر گوید: امام باقر (ع) فرمود: موقعی که خواستی سیب بخوری قبلاً آن را استشمام و بو کن سپس بخور، زیرا در این صورت آنچه را که بروح های تو ناراحتی عارض گشته ساکن می کند." (نورانی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۵۰۰)

درمان با استشمام بوی خوش از قدیم ترین شیوه های درمانی بوده است به طوری که در مصر باستان از روغن های خوشبو برای ماساژ و درمان بیماری ها استفاده می شده است. به تازگی در خصوص درمان با بوهای خوش و رایحه های دلپذیر تحقیقاتی انجام شده که تحت عنوان درمان مکمل نام گرفته است. حاصل این پژوهش ها نشان می دهد که بوی خوش گیاهان می تواند موجب بهبود وضعیت روحی اشخاص و در نتیجه عملکرد بهتر ضربان قلب شود. براساس این تحقیق، بوی خوش به ناحیه ای از مغز تحت عنوان "لیمبیک" (limbic) که جایگاه احساسات و خلق و خوی آدمی است، رسیده، موادی را در این ناحیه آزاد می کند که حس خوبی را به وجود می آورد. سیستم لیمبیک (limbic system) که در قسمت قدامی (rahipocampal) مغز واقع شده در حقیقت "مسول بویایی، اعمال اتونومیک (autonomic) و جنبه های خاصی از احساسات و عواطف است." (دورلند، ۱۳۸۲: ذیل واژه) وارد آمدن هرگونه ضایعه ای به سیستم لیمبیک، حافظه، عاطفه و

احساس را دچار اختلال می گرداند. این شیوه که به " رایحه درمانی " موسوم شده است ، در کاهش فشار روحی و برخی مشکلات گوارشی و پوستی موثر واقع می گردد .

بفالود روغن ز روشن چراغ  
به کف بر نهاد آن نوازنده سیب

بفرمود کارند سببی زباغ  
به بویی همی داد جان را شکیب

اقبالنامه/ص ۲۷۰

\*

### حلوا (شیرینی) و صفرا

مکن سودا که شیرین خشم ریزد  
زشیرینی به جز صفرا چه خیزد؟

خسرو و شیرین/ص ۳۴۵

چنانچه در بدن انسان خلط صفرا بر دیگر اخلاط (سودا، بلغم و خون) غلبه یابد باعث زردی پوست و چشم ها، تلخی دهان، زبری و خشکی زبان، تندی حرکات تنفسی و... می گردد. (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸۱) برای چنین بیماری خوردن شیرینی مضر است زیرا سبب غلبه بیش تر صفرا می گردد. " بسیار خوردن شیرینی ها و شیر تازه، این نشانه ها را درست گرداند که نشان صفراست. " (اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۳۴)

سودا زده را قمر نسازد  
صفرا زده را شکر نسازد

لیلی و مجنون/ص ۴۰۱

همچنین برای شخص تب دار، خوردن حلوا زیان بخش است:

اگرچه طبع جوید میوه تر  
ولی تب کرده را حلوا چشیدن

اگرچه میل دارد دل به شکر  
نیرزد سال ها صفرا کشیدن

خسرو و شیرین/ص ۱۵۲

\*

### روغن و صفرا

ایمنی از روغن اعضای ما  
رست مزاج تو ز صفرای ما

مخزن الاسرار/ص ۱۰۳

افزایش صفرا موجب گرمی بیش از حد بدن ، داغ شدن پاها ، سردرد در فصل گرما ، خارش و آلرژی در بدن می گردد لذا مصرف خوراکی ها و موادی که دارای طبع گرم و خشک هستند و باعث غلبه صفرا می گردند مانند انواع روغن های گردو، تخم کتان ، زیتون ، یاسمین ، نسترن و شاه دانه ، توصیه نمی شود. نظامی ، در جایی دیگر به این خاصیت صفرا سازی روغن اشاره کرده است :

زر چو نهی ، روغن صفراگر است  
چون بخوری میوه صفرا بر است

مخزن الاسرار/ص ۱۳۹

\*

### سرکه و ترشی، دافع صفرا

این همه صفرای تو بر روی زرد  
سرکه ابروی تو کجاری نکرد

مخزن الاسرار/ص ۱۱۴

سرکه، سودمندترین چیزها برای بدن های صفراوی دانسته شده است. طبیبان قدیم، مصرف ترشی و سرکه را که سرد است و خاصیت سرد کننده و قابض دارد به بیماران صفراوی توصیه کرده اند. جالینوس، آن را سودمندترین چیز برای بدن های صفراوی می داند. (رازی، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ۲۴۷) محمد بن زکریای رازی از قول ابن ماسویه می نویسد: "معدده را دباغی می کند، مره صفرا را خاموش می سازد." (همو: ۲۴۶) نظامی، به این خاصیت ترشی توجه داشته است و می گوید:

گهی نیشی زند، کاین نوش اعضاست  
گه آرد ترشیی، کاین دفع صفراست  
خسرو و شیرین/ص ۴۴۱

همچنین، مصرف میوه های ترش، مانند مرکبات، انار، شاه توت و آلبالو برای دفع صفرا توصیه شده است. ابن سینا در خاصیت ترشک (حماض) که گیاهی است با برگ های دراز و سر باریک و تیز می نویسد: "همه انواع ترشک، صفرا را برمی کند و خلط خوب و سازگار به وجود آورد." (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۵۶)

\*

### سرکه و شیر

چو با سرکه سازی، مشو شیرخوار  
که با شیر، سرکه بود ناگوار  
اقبالنامه/ص ۱۶۱

خوردن شیر پس از سرکه و دیگر ترشی ها موجب مرض می گردد. در تحفه حکیم آمده است: "استعمال شیر بعد از ترشی ها و با آن و میوه های تازه و ماهی و پیاز و امثال آن جایز نیست." (اشرف زاده، ۱۳۸۶: ۸۷۳)

\*

### شیر و شکر

معجون شیر و شکر، رفع تشنگی و عطش می کند. نظامی، در مثنوی خسرو و شیرین از زبان فرهاد می گوید:  
کنی یادم به شیر شکرآلود  
که دارد تشنه را شیر و شکر سود  
خسرو و شیرین/ص ۲۴۲

\*

### شکر و صفرا

مصرف غذاهای چرب و شیرین برای افرادی که بدن آن ها صفرا تولید می کند و مزاج گرم و خشک دارند، بسیار مضر است. لذا در طب قدیم، خوردن شکر را در حالت تب و هوای گرم، صفرازا و زیان بخش می دانستند:  
اگر نازی کنم مقصودم آن است  
که در گرمی، شکر خوردن زیان است  
خسرو و شیرین/ص ۱۴۴  
همچنین مصرف چای، قهوه، غذای چرب و ادویه جات برای شخص صفراوی توصیه نمی شود.

\*

### سایر موارد

#### جنون و شیفتگی

کان مه نو کو کمر از نور داشت  
ماه نو از شیفتگان دور داشت  
مخزن الاسرار/ص ۶۷

بنا بر باور گذشتگان ، بیمار صرعی و دیوانه ازدیدن ماه بد حال و آشفته می گردد مخصوصاً دیدن ماه نو." می گفتند که با پدید آمدن هلال ، جنون دیوانگان و شیفتگان ، افزون می گردد مخصوصاً سه روز اول ماه . " (یاحقی، ۱۳۷۵: ۳۸۵) در فرهنگ بزرگ سخن آمده است : " در باور قدما، دیدن ماه نو موجب پریشان حالی و آشفته گی افراد روانی و دیوانه و صرعی می شود. در برخی از زبان های هند و اروپایی نیز کلمه ای که منسوب به ماه است یا از آن مشتق شده، معنی دیوانه می دهد." (انوری، ۱۳۸۱: ذیل واژه ماه زده)

چودیوانه زماه نوب رأشففت	درآن مستی وآن آشفته گی خفت
اورا سوی ما کجا طواف است	خسرو و شیرین/ص ۳۹۲
یا چو صرعی که ماه نو بیند	دیوانه و ماه نو گزاف است
سرزنش مکن که تو شیفته تر ز من شوی	لیلی و مجنون /ص ۱۰۵
	برجهد گاه و گاه بنشیند
	هفت پیکر/ص ۳۰۱
	گر نگری در آینه روی تو ماه خویش را
	گنجینه/ص ۳۲۳

\*

### مشک، عامل بیماری

مشک، از انواع خوشبوها و دارای طبعی گرم و خشک است. به اعتقاد قدما ، همین گرم بودن طبع مشک می تواند باعث بیماری شود . جرجانی می نویسد: "محرور را درد سر آرد و سخت زیان دارد." (جرجانی، ۱۳۸۰، کتاب سوم: ۱۲۱) درپیت زیر، نظامی در وصف جمال شیرین می گوید : اگر دماغ چشم نرگس بیمار شیرین ، گرم شده به دلیل نسیم مشک بیزگیسوان اوست :

شده گرم از نسیم مشک بیزش	دماغ نرگس بیمـارخیزش
	خسرو و شیرین/ص ۵۰

\*

### نبض و تشخیص بیماری

پس آنگاه زد بوسه بر دست شاه  
چو اندازه نبض دید از نخست

بمالیدش انگشت بر نبضگاه  
نشان از دلیلی دگر بازجست

اقبالنامه/ص ۲۴۰

نبض، نشانگر نوسانات فشار شریانی و همان ضربان قلب است که در بعضی قسمت های بدن احساس می شود . ابن سینا نبض را حرکت آوندهای روح دانسته که از انبساط و انقباضی تشکیل شده تا روح را به وسیله نسیم خنک گرداند. (ابن سینا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸۷) نبض از علائم حیاتی بدن است که نامنظم بودن و ضعف آن از علائم بیماری محسوب می گردد. در طب قدیم نیز چنان که امروزه معمول و مرسوم است پزشکان با دست گذاشتن بر نبض بیمار به بیماری او پی می بردند:

ز قاروره و نبض جـستند راز	نشیننده را رفتن آمد فراز
	اقبالنامه/ص ۲۴۰

## نتیجه گیری

با بررسی و تأمل در اشعار حکیم نظامی، می توان با برخی بیماری های متداول آن روزگاران و شیوه های درمان آن ها و همچنین خواص گیاهان دارویی و توصیه های درمانی آشنا شد که در دانش پزشکی امروز یا به همان شکل و یا بعضاً به شیوه ای دیگر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. آنچه در باره مزاج آدمی و تاثیر خوارکی ها و عناصر طبیعی بر آن آمده نزد حکیمان گذشته از اهم مباحث طبی بوده است که در کتب و آثاری که در این زمینه تالیف کرده اند بدان ها پرداخته شده است.

نظامی، شاعر و حکیمی است که با اطلاعات وسیع خود از دانش پزشکی توانسته است بنا به اقتضای کلام از اصول و مبانی این علم در خلق مضامین تازه بهره برده، سخن خود را بیش تر مقبول اهل نظر گرداند. به طوری که با دقت در آثار این شاعر حکیم می توان به شناسایی بیماری های شایع آن روزگار و شیوه های درمان آن ها که مورد توجه حکمای بزرگی چون ابن سینا و سید اسماعیل جرجانی نیز بوده، پرداخت.

## منابع:

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، قانون، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه ژار)، انتشارات سروش، جلد ۸، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲. اشرف زاده، رضا، فرهنگ بازیافته های ادبی از متون پیشین، انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ۱۳۸۶ ش.
۳. انوری، حسن و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۴. جرجانی، اسماعیل، ذخیره خوارزمشاهی (کتاب سوم)، به کوشش دکتر محمد رضا محرری، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۵. حداد عادل، غلامعلی و دیگران، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۶. دورلند، ویلیام الکساندر نیومن، فرهنگ پزشکی دورلند، ترجمه محمد هوشمند ویژه، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، ۱۳۴۶ ش.
۸. رازی، محمد بن زکریا، کتاب الحاوی، ترجمه و تنظیم و تحقیق دکتر سلیمان افشاری پور، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، جلدهای بیستم و بیست و یکم، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۹. سعیدیان، عبدالحسین، دایره المعارف بزرگ نو، انتشارات علم و زندگی و آرام، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. شوالیه، آندرو، دایره المعارف گیاهان دارویی، ترجمه عباس زارع زاده، انتشارات وصال، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. شهیدی، سیدجعفر، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، جلد دوم، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۳. کزازی، میرجلال الدین، گزارش دشواری های دیوان خاقانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، اقبالنامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، خسرو و شیرین، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، شرفنامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، گنجینه حکیم نظامی گنجه ای، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، لیلی و مجنون، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، مخزن الاسرار، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. نورانی، مصطفی، دائره المعارف بزرگ طب اسلامی، انتشارات فخر دین، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۵ ش.

22- Dixon, j., Hewett, E.w., 2000.Factors affecting apple aroma/ Flavour volatile concentration : a review, new Zealand journal of crop and Horticultural science,vol.28:155-173